

دست‌های خالی پژوهشگران و مشکلات مالی نظام پژوهش و فناوری داستانی طولانی دارد که سبب شده مشکلات بسیاری برای نظام پژوهشی ایجاد شود. به گفته مستولین، مسئله «پول» و اندک بودن منابع مالی یکی از مهم‌ترین مسائلی بود که در سال‌های اخیر کاهش سرعت رشد علمی را به دنبال داشت و در نهایت منجر به کاهش یک پله‌ای رتبه علمی کشور از نظر انتشار مقالات علمی در سال گذشته شد.

مشکلاتی از قبیل فرسودگی تجهیزات آزمایشگاهی، بدهی‌های کلان به پایگاه‌های علمی بین‌المللی، ماندن تحقیقات در حد مقاله صرف و… همگی ناشی از مشکلات مالی نظام پژوهش و فناوری است. وزرای علوم دولت‌های مختلف سعی کرده‌اند که با گرفتن مجوز برداشتن پول از صندوق توسعه ملی، این مشکلات را حل کنند ولی هیچ‌یک از این راهکارها نتوانسته تا نامین منابع پایدار، مشکلات پایه‌ای نظام پژوهش، فناوری و نوآوری کشور را رفع کند.

مسال‌های زیادی است که موضوع تامین مالی پژوهشی و ایجاد منابع پایدار برای پژوهش با هدف توسعه هر چه بیشتر کشور مورد توجه قرار داشته و در اسناد بالادستی و برنامه‌های توسعه مختلف هدف‌گذاری شده که درصدی از تولید ناخالص داخلی کشور به پژوهش و فناوری اختصاص پیدا کند. در برنامه دوم توسعه کشور تا امروز که به برنامه هفتم توسعه رسیده‌ایم، همواره اختصاص درصدی از تولید ناخالص داخلی به پژوهش هدف‌گذاری شده است.

در برنامه پنجساله دوم توسعه که توسط دولت ششم برای سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ تدوین شده بود، سهم ۱٫۵ درصدی از تولید ناخالص داخلی برای تحقیقات مد نظر قرار داشت.

برنامه پنجساله سوم نیز که در سال ۱۳۷۹ در دولت هفتم تدوین شد، سرمایه‌گذاری یک درصد از تولید ناخالص داخلی‌از اعتبارات دستگاه‌های اجرائی ونیم‌درصد از منابع بخش خصوصی و شرکت‌های دولتی و بانک‌ها تا سال پایانی برنامه (۱۳۷۸) را برای تحقیقات و فناوری هدف‌گذاری کرده بود.

در برنامه چهارم توسعه نیز که برای اجرا در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ توسط دولت هشتم به تصویب رسید، میزان سرمایه‌گذاری در پژوهش و فناوری به ۳ درصد از تولید ناخالص داخلی هدف‌گذاری شد. به طوری که ۲ درصد آن از اعتبار عمومی دستگاه‌های اجرائی و یک درصد آن از درآمد عملیاتی

این سند سرمایه‌گذاری ۴ درصدی از تولید ناخالص داخلی برای تحقیقات مورد تأکید قرار گرفت و مقرر بود که نیمی از این تامین مالی به عهده بخش خصوصی و نیم دیگر بر عهده دولت باشد. بر همین اساس تا پایان سال ۱۴۰۴ باید سهم سرمایه‌گذاری دولتی در تحقیق توسعه به ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی برسد. اکنون بیش از ۲۹ سال از ابلاغ اولین برنامه توسعه کشور و ۱۴ سال از تدوین نقشه جامع علمی کشور سپری شده است؛ برنامه هفتم توسعه به تازگی ابلاغ شده و کمی بیش از یک سال تا پایان سال ۱۴۰۴ که هدف سند نقشه جامع علمی کشور بود، باقی مانده است؛ ولی در تمام این سال‌ها هیچ یک از دولت‌ها موفق نشده‌اند اهداف برنامه‌ها توسعه و نقشه جامع علمی کشور را محقق کنند و هیچ دولتی سهم پژوهش را از تولید ناخالص داخلی پرداخت نکرده است.

در مورد میزان تخصیص سهم پژوهش و فناوری از تولید ناخالص داخلی، داده‌های دقیق و یکپارچه‌ای وجود ندارد. آخرین داده‌های مکتوب به‌دست آمده حاکی از آن است که در بین سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۱، سهم پژوهش از تولید ناخالص داخلی بین ۴ دهم درصد تا ۸ دهم درصد در نوسان بوده است. آمار مستند و دقیقی نیز در مورد میزان هزینه‌کرد در پژوهش و فناوری در سال ۱۴۰۲ در دسترس نیست. معاون سابق علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان ریاست جمهوری نیز اسفند ماه ۱۴۰۲ در نخستین رویداد شبکه ملی مدیران تحقیق و توسعه کشور گفت: سهم تحقیق و توسعه از تولید ناخالص داخلی (GDP) در کشور ما زیر یک درصد است این در حالی است که مقام معظم رهبری مربوط به ۳ درصد از تولید ناخالص داخلی هم مربوط به R&Dنماها است. بنابراین، آنچه به عنوان مغز فعالیت‌های تحقیق و توسعه باقی می‌ماند، نهایتاً سه دهم درصد است؛ یعنی ۱۵ برابر کمتر از آن چیزی که باید باشد. از این رو، باید برای ارتقای این شاخص تلاش کنیم.

به‌ه هر ترتیب تمامی این گفته‌ها مؤید آن است که میزان هزینه‌کرد در پژوهش و فناوری هیچ‌گاه به اهداف تعیین شده در برنامه‌های مختلف توسعه حتی نزدیک هم نشده است.

این در حالی است که بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته سرمایه‌گذاری فراوانی در پژوهش و

عالی را گرفته است. در حالی‌که ما باید بدانیم که هرچه در این بخش هزینه کنیم، سرمایه‌گذاری است. وی خاطر نشان کرد: با این پولی که در پژوهش و فناوری صرف کرده‌ایم، چنین خروجی یک معجزه است و تنها اسم آن را جهاد، از خودگذشتگی، ایثار می‌توان گذاشت. اساتید و پژوهشگران اعتقاد دارند که این‌گونه کار می‌کنند و خود را به آب و آتش می‌زنند تا بتوانند کار تحقیقاتی خود را تکمیل کنند.

معاون پژوهشی با بیان این‌که ضریب تبدیل پول به خروجی در پژوهش و فناوری در هیچ کشوری مثل ایران نبوده است، گفت: کشورهای منطقه سرانه هزینه‌کردشان در آموزش عالی از ما بیشتر است ولی خروجی کم‌تری از ما داشته‌اند.

نامبرده در مورد راهکار تحقق دو درصد از تولید ناخالص داخلی به پژوهش و فناوری گفت: کارگروه تامین مالی ششورای عتف در حال تدوین برنامه‌ای برای حرکت به این سمت است که چگونه به این عدد



**چرا سه دهه طلب پژوهشگران پرداخت نمی‌شود!؟**

# فرا موشی سهم «پژوهش»

# در دولتهای مختلف!

فناوری دارند. آخرین آمار وب‌سایت «استاتیستا» که مربوط به سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲ میلادی است و در مارچ ۲۰۲۴ منتشر شده است، نشان می‌دهد که کشورهای کره جنوبی، تایوان، آمریکا، بلژیک، ژاپن، سوئد، سوئیس، اتریش و آلمان، بیشترین درصد از تولید ناخالص داخلی خود را در پژوهش و فناوری صرف می‌کنند.

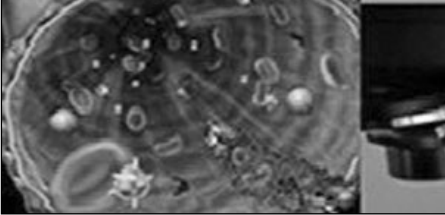
کشورهای ترکیه و عربستان سعودی که جدی‌ترین رقبای ایران در منطقه هستند نیز سرمایه‌گذاری فراوانی در پژوهش و فناوری دارند. ترکیه با صرف ۱٫۶ درصد از تولید ناخالص داخلی خود، سالانه مبلغی معادل ۱۲ میلیارد و ۷۰۰ هزار دلار در این بخش صرف می‌کند و عربستان سعودی نیز با صرف ۴۵ صدم درصد از تولید ناخالص داخلی خود معادل ۵ میلیارد دلار را در پژوهش و فناوری هزینه می‌کند.

نامبرده در مورد این‌که اگرچه در اسناد بالادستی برنامه‌های توسعه سهم ۱٫۵ تا ۳ درصدی از تولید ناخالص داخلی برای پژوهش و فناوری در نظر گرفته شده، اما چرا هیچ‌یک از مسئولین ادوار مختلف نتوانسته‌اند این هدف‌گذاری‌ها را محقق کنند؛ گفت: در بودجه کشور محدودیت‌هایی وجود داشته که به هر حال بخشی از آن محدودیت‌ها دامن حوزه آموزش

## دانشگاه Daneshgah@Kayhan.ir

وی در پاسخ به این سؤال که با وجود همه این مشکلات چرا در هر برنامه توسعه در کشور مجدد تبصره «سهم ۲ درصدی تحقیق و توسعه دولتی از تولید ناخالص داخلی» تکرار می‌شود؟، گفت: برنامه‌ریزی‌های کلان بیشتر جنبه نمایشی و آرمان خواهانه دارد. یک بار باید عواملی که سبب شده ما از نیم درصد ۶ دهم درصد سهم تحقیق و توسعه از تولید ناخالص داخلی بالاتر نرویم، مورد بررسی قرار گیرد.

نامبرده گفت: هرچقدر تلاش می‌کردیم، در نهایت به سد زمان برنامه و بودجه و مجلس و کمیسیون تلفیق و… برمی‌خوردیم. البته قصد ندارم که بگویم عمدی در کار بود ولی شرایط این‌گونه بود. وی تأکید کرد: اگر واقعاً یک موضوعی اولویت واقعی باشد از بخش‌های دیگر صرف‌نظر می‌شود و در بخش اولویت‌دار هزینه می‌شود؛ ولی وقتی اولویت نیست و مسائل کلان کشور پیچیده شده این مشکلات ایجاد می‌شود.



پژوهش و فناوری عنوان می‌شود، راهکارهایی هستند که باید خارج از وزارت علوم دنبال شوند.

ما به تغییر نگرش همه متولیان و مسئولان کشور و نسنبت به «علم» نیاز داریم. باید پذیریم که راه مهم‌بری وجود ندارد و بدون توسعه علم و فناوری و انتظار پیشرفت کشور و خروج از رکود، انتظار بیهوده‌ای است. باید بپذیریم بسیاری از ایرچالش‌های کشور در حوزه‌های اقتصادی، آب، محیط زیست و حتی مسائل اجتماعی، راه‌حل علمی دارند و حرکت به سمت استفاده از راهکارهای علمی نیازمند سرمایه‌گذاری است.

دکتر حسین سیمایی صراف در اولین حضور خود در وزارت علوم، به همین موضوع اشاره کرد و گفت: همه ما در مورد چالش‌ها وفاق داریم و مشکلات را می‌شناسیم. راحل‌ها را هم می‌شناسیم ولی موانع و

مشکلاتی وجود دارد که برخی از خود ما هست و برخی عوامل خارج از ماست که اجازه نمی‌دهد با سرعتی که می‌خواهیم پیش رویم. به هر حال کشور اگر می‌خواهد پیشرفت کند، چاره‌ای ندارد جز این که مرجمیت و حجیت علم دانش را به رسمیت بشناسیم. منظور از دانش فرقی بین پاره‌های مختلف علوم نیست. همه علوم باید دست به دست هم بدهند و پیشرفت را به رفغان می‌آورد. وی خاطر نشان کرد: ابتدا ایمن باور در همه‌ی ایجاد شود که من در این باور هنوز تردید دارم… واقعاً تصوراتی وجود دارد که به مرجمیت علم تن ندایم. گاهی روی کاغذ خوب می‌نویسیم ولی در موقع اقدام، گاهی فکر می‌کنیم از میان‌بری هست و در علمی را کنار می‌گذاریم. از راه‌های میان‌بر می‌روسم و به نتیجه نمی‌رسیم. برای توسعه و پیشرفت نیازمند این هستیم همه این کاروان با هم و متوازن حرکت کنند.

ایجاد چنین نگرشی به یک وزارت علوم قدرتمند، یکپارچه و با جایگاه ویژه در هیئت دولت نیاز دارد که بتواند جایگاه علم، فناوری و نوآوری را در پیشرفت و توسعه کشور برای سایر مسئولین تبیین کرده و و رازینی آن‌ها را برای حمایت یکپارچه از این زیست‌بوم قانع کند.

شاید وقت آن رسیده که به جای طلب‌کار بودن از پژوهشگران که چرا تحقیقات آن‌ها مشکلات کشور را حل نکرده‌است، برای بدهی‌های پرداخت نشده به پژوهش‌ها و گرایش پژوهشگران به سمت تحقیق در سطوح پایه‌ای که نتیجه آن‌ها فقط روی کاغذ می‌ماند

صفحه ۷

**پنجشنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۳**

**۱۵ ربیع‌الاول ۱۴۴۶ – شماره ۲۳۶۷۴**

# آخرین وضعیت حکم ۲۸ رئیس دانشگاه

دانشگاه‌ها به عنوان نهادهایی علمی و به دور از نگاه سیاسی شناخته می‌شوند ولی به طور معمول در ایران پس از تغییر رئیس‌جمهور و وزیر علوم، تحقیقات و فناوری دانشگاه‌ها نیز دستخوش تغییراتی به ویژه در سطح مدیریت می‌شوند. بر اساس قانون، انتصاب رؤسای دانشگاه‌ها به عهده وزیر علوم است اما فرد منصوب شده باید به شورای عالی انقلاب فرهنگی معرفی و توسط این شورا تأیید شود. البته در سال‌های دور تجربه انتخاب رؤسای دانشگاه توسط اعضای هیئت علمی هر دانشگاه نیز وجود داشت.

در حال حاضر نحوه انتخاب رؤسای دانشگاه‌ها به این صورت است که وزیر علوم فردی را به عنوان سرپرست دانشگاه معرفی می‌کند و سوابق و پرونده فرد معرفی‌شده توسط یک کمیته در شورای عالی انقلاب فرهنگی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در صورتی که این کمیته فرد پیشنهادی را تأیید کند، حکم ریاست او بر دانشگاه ابلاغ خواهد می‌شود.

تا مرداد ماه سال ۱۴۰۱ یک کمیته ۵ نفره شامل رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی و رئیس هیئت نظارت و بازرسی شورای عالی انقلاب فرهنگی وظیفه بررسی صلاحیت رؤسای دانشگاه‌ها را بر عهده داشتند ولی ۱۲ مرداد ۱۴۰۱، ماده واحده «تفویض صلاحیت انتخاب رؤسای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به کمیته منتخب شورای عالی انقلاب فرهنگی» اصلاح شد و بر اساس آن «یک نفر از اعضای حقیقی شورای عالی انقلاب فرهنگی به انتخاب شورای عالی» به این کمیته اضافه شد.

همچنین بر اساس اصلاحیه این مصوبه؛ رئیس هیئت نظارت و بازرسی شورای عالی انقلاب فرهنگی حق رأی ندارد و صرفاً برای ارائه گزارش در جلسه حضور خواهد داشت.

بر اساس مصوبه «آئین‌نامه جامع مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری» ابلاغ‌شده در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۰؛ مدت زمان ریاست دانشگاه چهار سال است. انتخاب مجدد افرادی که به عنوان رئیس دانشگاه منصوب می‌شوند، به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است و در موارد استثنا انتخاب مجدد افراد برای دوره بعدی، پس از تأیید و گرفتن مجوز از شورای عالی انقلاب فرهنگی امکان‌پذیر است.

در دوران وزیر علوم دولت سیزدهم تغییر رؤسای دانشگاه‌ها کمی کمتر از یک ماه بعد از آغاز وزارت کلید خورد. زلفی گل ۱۸ شهریور ماه ۱۴۰۰ گفته بود که عجله‌ای برای تغییر رؤسای دانشگاه‌ها ندارد و عجله برای تغییر را بی‌احترامی به افرادی دانست که سال‌ها عمرشان را برای آموزش عالی هزینه کرده‌اند.

با این وجود ۱۲ روز بعد در تاریخ ۳۰ شهریورماه ۱۴۰۰ تغییر رؤسای دانشگاه‌ها را با انتصاب سید محمد مقیمی به عنوان سرپرست دانشگاه تهران آغاز کرد.

زلفی‌گل در طول ۳ سال وزارت خود، حتی رؤسای دانشگاه‌هایی که خود منصوب کرده بود را نیز تغییر داد. در میان ۱۳ دانشگاه بزرگ کشور، رئیس ۶ دانشگاه بزرگ کشور، دو بار تغییر کردند. دانشگاه‌های امیرکبیر، الزهرا، علم و صنعت، صنعتی شریف، خواجه نصیرالدین طوسی و فردوسی مشهد؛ دانشگاه‌های بزرگی بودند که در سه سال گذشته دوبار طعم تغییر رئیس را چشیدند.



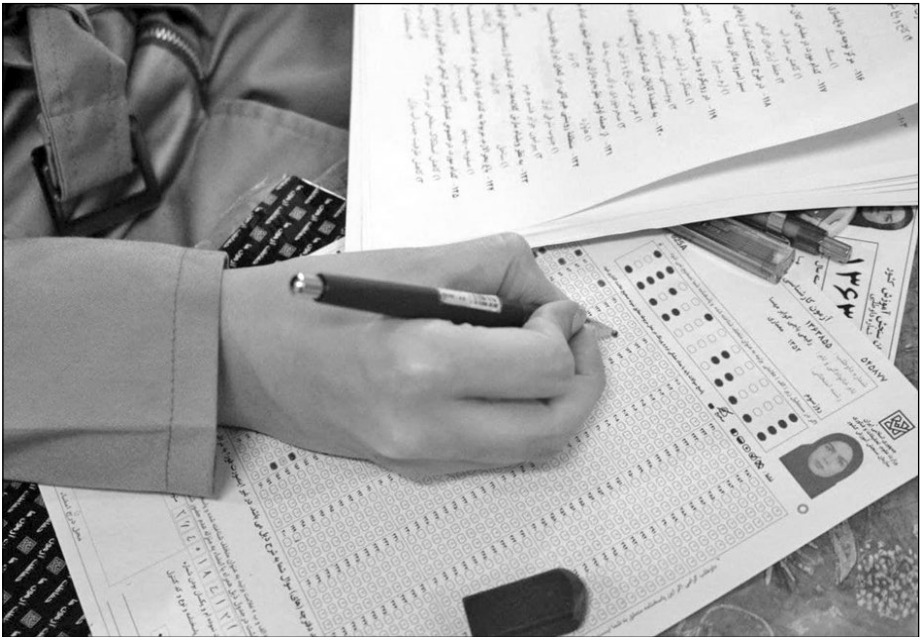
سخنگوی سابق وزارت علوم اول آذرماه ۱۴۰۲ در نشست خبری که مصداق با تغییر مجدد رئیس دانشگاه شریف برگزار شده بود، در پاسخ به خبرنگاران در مورد دلیل انتصاب مجدد رؤسای برخی دانشگاه‌ها گفته بود که از ۸ دانشگاه تهران که وزیر علوم برای آنها حکم زدند، ۴ جابه‌جایی داشتیم، رئیس دانشگاه الزهرا (س) پس از حدود یک سال، دانشگاه خواجه نصیر طوسی پس از یک سال و نیم و رئیس دانشگاه صنعتی شریف اخیراً پس از دو سال و رئیس دانشگاه صنعتی امیرکبیر هم کمتر از دوسال تغییر کردند. حسین سیمایی صراف در اولین روزهای ورود به وزارت علوم در مورد انتصابات رؤسای دانشگاه‌ها و معاونان وزارت علوم گفته بود: در مورد انتصابات من همیشه گفته‌ام این‌که کسی در گذشته توسط دیگری منصوب شد، دلیل نمی‌شود که وی را تغییر دهیم ولی قطعاً تغییراتی برحسب عملکرد و کارنامه عملکردی وجود دارد. در عین حال ما با بررسی و احتیاط براساس عملکرد اقدام خواهیم کرد. تغییر صرف تغییر رؤسای دانشگاه‌ها را سه روز بعد از تحویل گرفتن وزارت علوم در تاریخ ۶ شهریورماه با تغییر رئیس دانشگاه کاشان کلید زد و شب ۱۳ شهریور ماه نیز خبر تغییر رئیس دانشگاه خوارزمی منتشر شد.

بررسی ۲۸ دانشگاه بزرگ نشان می‌دهد که تا امروز تنها حکم دکتر بابک کریمی که از سال ۱۳۹۵ ریاست دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه زنجان را بر عهده دارد، به پایان رسیده است. از آن‌جا که دولت سیزدهم پایانی زندهنگام داشت و همچنین وزیر علوم سابق در دوران مسئولیت خود رؤسای برخی از دانشگاه‌ها را دوبار تغییر داد، تا امروز حکم ۲۷ رئیس دانشگاه منصوب‌شده از طرف زلفی‌گل به پایان نرسیده است. بررسی‌های ما نشان می‌دهد که تا پایان یافتن قدیمی‌ترین حکم انتصاب در دوران زلفی‌گل که متعلق به رئیس دانشگاه تهران است، یک سال و سه ماه باقی مانده است. جدیدترین حکم انتصاب نیز متعلق به داوود پویانسان؛ رئیس دانشگاه علم و صنعت است که چهارم تیرماه سال جاری تأیید شده

و بنابراین سه سال و ۹ ماه از حکم چهار ساله او باقی مانده است. در بین ۱۵ دانشگاه بزرگ شهرستان نیز حکم رؤسای دانشگاه‌های شیراز، اصفهان و صنعتی اصفهان یک سال و هفت ماه دیگر به پایان می‌رسد و حکم رئیس دانشگاه گیلان نیز که به تازگی ابلاغ شده، سه سال و ۹ ماه دیگر به پایان می‌رسد.

تاکنون رئیس ۲ دانشگاه توسط وزیر علوم جدید تغییر کرده‌اند. دکتر فرهاد دانشجو؛ رئیس دانشگاه تربیت مدرس نیز در کمتر از یک ماه گذشته ۲ بار استعفا داده است که او بار زلفی‌گل با استعفا او موافقت نکرد و انتصاب دوم نیز در روزهای اخیر خبری به سیمایی صراف منتشر شد که تاکنون خبری در مورد پذیرش یا رد آن منتشر نشده است. بنابراین به نظر می‌رسد باوجود این‌که یک سال و هفت ماه از حکم ریاست فرهاد دانشجو باقی مانده، او از تغییرات احتمالی استقال کند. به نقل از صورتی که طبق روال ادوار پیشین، حسین سیمایی صراف قصد تغییر رؤسای دانشگاه‌ها را داشته باشد، رؤسای همه دانشگاه‌ها پیش از پایان یافتن دوران چهارساله حکم خود تغییر خواهند کرد.

گفتنی است، روز سه‌شنبه ۲۷ شهریور، با حکم وزیر علوم، سیدحسین حسینی سرپرست دانشگاه تهران شد. سوسی دیگر، دانش آموزان از مناطق محروم و شهرهای کوچک‌تر به‌دلیل کمبود امکانات آموزشی، کمبود معلمان مجرب و نبود فرصت‌های تحصیلی کافی، ممکن است با مشکلات جدی‌تری در راه‌یابی به موفقیت‌های کنکوری مواجه شوند. این تفاوت‌های جغرافیایی می‌تواند به نابرابری‌های آموزشی و اجتماعی منجر شود که در نهایت به کاهش فرصت‌های تحصیلی برای دانش‌آموزان از مناطق محروم و کوچک‌تر منجر می‌شود. تفاوت‌های مشهود در موفقیت‌های کنکوری میان دانش‌آموزان از مناطق مختلف، به‌ویژه در مقایسه با دانش‌آموزان تهرانی و سایر شهرهای بزرگ، می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر انگیزه و اعتماد به نفس دانش‌آموزان داشته باشد. دانش‌آموزان از مناطق محروم و کوچک‌تر که با کمبود امکانات و فرصت‌های تحصیلی مواجه هستند، ممکن است احساس کنند که دستیابی به رتبه‌های برتر و موفقیت‌های تحصیلی برای آنها بسیار دشوار است. به نقل از خبرگزاری دانشجو؛ این احساس نابرابری و عدم دسترسی به فرصت‌های آموزشی برابر می‌تواند به کاهش انگیزه و تلاش‌های تحصیلی دانش‌آموزان منجر شود. علاوه‌بر این، عدم موفقیت در رقابت‌های کنکوری به‌ویژه در شرایط نابرابری آموزشی می‌تواند به احساس یأس و ناامیدی در دانش‌آموزان از مناطق محروم و کوچک‌تر منجر شود. این احساسات منفی می‌تواند بر روحیه و انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر منفی بگذارد و به‌طور کلی بر توانایی آنها در تحقق اهداف تحصیلی و شغلی آینده‌شان تأثیرگذار باشد؛ که همین امر موجب بالا رفتن آمار جرم و جنایت، بی‌سوادی و فقر فرهنگی می‌شود و در نتیجه کند کردن و یا حتی تغییر مسیر توسعه کشور می‌شود.



دانشته باشد و به تفاوت‌های عمده‌ای در موفقیت‌های کنکوری منجر شود.

آمارها نشان‌دهنده آن هستند که ۲۷٫۵ درصد از رتبه‌های برتر کنکور از تهران و سایر شهرهای بزرگ کشور هستند. این تمرکز بالای موفقیت‌های کنکوری در تهران و شهرهای بزرگ کشور، تفاوت‌های جغرافیایی در دسترسی به منابع آموزشی و فرصت‌های تحصیلی مرتبط است. شهرهای بزرگ، به‌ویژه تهران، به‌دلیل برخورداری از زیرساخت‌های آموزشی بهتر، امکانات بیشتر، معلمان مجرب‌تر و فرصت‌های آموزشی بیشتر، به‌طور طبیعی زمینه‌های بهتری برای موفقیت‌های تحصیلی فراهم می‌کنند؛

<sup>[1]</sup> سوسی دیگر، دانش آموزان از مناطق محروم و شهرهای کوچک‌تر به‌دلیل کمبود امکانات آموزشی، کمبود معلمان مجرب و نبود فرصت‌های تحصیلی کافی، ممکن است با مشکلات جدی‌تری در راه‌یابی به موفقیت‌های کنکوری مواجه شوند